



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۷/۰۶/۲۸



دوکتور محمد ظاهر عزیز

تقدیر از نویسنده نامه غزنی به غنی و روزنامه هشت صبح

(غزنی، پایتخت تمدن جهان اسلام در سال ۲۰۱۳م)

قسمت اول

من با حرمت از نویسنده صاحب‌قدر (نامه غزنی به غنی)، جناب نصیر احمد تره کی اظهار سپاس می‌نمایم. علاوه، از اداره روزنامه وزین هشت صبح بنابر نشر آن مضمونی که درد مردم ولایت غزنی را با درایت و در قالب فرهنگ و ادب غزنه بیان نموده است، قدردانی می‌نمایم.

من آرزو مندم که آقای رئیس‌جمهور غنی با در نظر داشت مقام معنوی و بزرگ فرهنگی غزنی، این ولایت آغشته به درد و از نظر انداخته را که از قصر او فاصله دو ساعته ندارد، نیز مورد توجه اندکی قرار دهد. امیدوارم که حالا که در مقام ریاست جمهوری قرار دارد، به صدای ولایت غزنی و مردمش گوش دهند، زیرا در زمان حکومت قبل که آقای غنی در آن حکومت مقام خوب داشت و صندوق‌های ملیارد ها دالر در نزد او بود، با ارتباط غزنی به حیث پایتخت تمدن جهان اسلام در سال ۲۰۱۳م، کوچکترین کاری به نفع غزنی و باز سازی آن دیار پر افتخار کشور نکردند، بلکه به مقام والای تمدن بزرگ اسلامی غزنی بی حرمتی صورت گرفت.

من مراتب این بی حرمتی را به تمدن بزرگ اسلامی غزنی در طی مطالب زیر به جناب رئیس‌جمهور غنی به تفصیل اطلاع می‌دهم:

سازمان اسلامی تربیتی، علمی و فرهنگی (اسیسکو) که وابسته به کشور های اسلامی است، در سال ۲۰۰۷ م در ضمن کنفرانس وزرای فرهنگ کشورهای اسلامی در طرابلس، غزنی را به عنوان پایتخت تمدن جهان اسلام برای سال ۲۰۱۳ میلادی انتخاب نمود. با این تصویب و تجویز، کشورهای اسلامی مقام والای فرهنگ و هنر اسلامی غزنی و نقش بزرگ امپراطوری اسلامی غزنه را در ارتقاء، تعالی و پخش تمدن اسلامی در جهان، با حرمت پذیرفتند. انتخاب و پذیرش غزنی به حیث پایتخت تمدن جهان اسلام در سال ۲۰۱۳م از طرف حکومت کشور های اسلامی، برای هریک از اتباع افغانستان مایه افتخار و مباهات محسوب می‌گردد.

انتخاب غزنی به صفت پایتخت تمدن جهان اسلام در سال ۲۰۱۳م محض یک تجویز ساده در قالب یک حرکت دیپلوماسی و خبری رسانه‌یی نبود، بلکه کشور های اسلامی در ضمن فیصله نامه رسمی، با حرمت پذیرفتند که مردم افغانستان صاحب فرهنگ و هویت بزرگ اسلامی هستند و در دور تاریخ در ارتقاء و تعالی فرهنگ اسلامی نقش صاحب‌قدر داشتند، لذا از مقام فرهنگی اسلامی غزنی که افتخار آن به کافه مردم افغانستان تعلق دارد با حرمت استقبال نمودند و سال ۲۰۱۳ میلادی را سال تمدن جهان اسلام که پایتخت آن شهر پر افتخار غزنی باشد، پذیرفتند.

انتخاب یکی از مراکز فرهنگ و هنر در جهان اسلام به صفت پایتخت تمدن جهان اسلام تصمیم و کار ساده ای نیست. دوسیه ای این موضوع که می باید مشتمل بر معلومات غنی بر سوابق تاریخی و ثبوت خدمتگزاری آن مرکز در راه ارتقاء و تعالی تمدن اسلامی در یک دور معین تاریخ کشور های اسلامی باشد از طرف کشور مربوط عضو اسپسکو به شورای اجرائیه و کنفرانس عمومی آن سازمان رسماً تقدیم می گردد و می باید که با هوشیاری و شایستگی علمی دفاع گردد.

زمانیکه اینجانب افتخار خدمتگزاری را به کشور به صفت سفیر و نماینده دایمی افغانستان در یونسکو و اسپسکو و همچنان عضویت شورای اجرائیه اسپسکو را داشتم، در سال ۲۰۰۶م غزنی را به حیث پایتخت تمدن کشورهای اسلامی برای سال ۲۰۱۳م به شورای اجرائیه و کنفرانس عمومی آن مؤسسه پیشنهاد نمودم و از مقام بزرگ فرهنگ و هنر اسلامی غزنی در جهان اسلام، دفاع کردم.

شهر غزنی که هزار سال قبل پایتخت امپراطوری بزرگ اسلامی در افغانستان بود، مدنیت تاریخی آن به بیشتر از پنج هزار سال می رسد. به روایت مراجع تاریخی، غزنه قبل از اسلام مرکز زابلستان بود و قدیم ترین نام این شهر، به گفته بطليموس، "گزنگ" می باشد که در زبان خروشتی "گنج" نوشته می شود.

قسمت اول: دلایل عمده در انتخاب غزنی به حیث پایتخت تمدن جهان اسلام در سال ۲۰۱۳میلادی:

مرحوم استاد خلیل الله خلیلی، شاعر صاحب‌قدر وطن در مقدمه اثر گرانبهای خود "سلطنت غزنویان" نوشته است (سلطنتی که صولت دولت آن از جر جانیه تا گرگان و از کاشغر تا سومنات نواخته می شد، لابد داستان های شگفت و روایت دل انگیز و تحولات فراوان دارد. این روایات چندان که با ملل دیگر تماس کرده چندان که سیر سال و ماه بر آن عبور نموده، صبغه دیگر برداشته است).

مردمی که در آن زیان دیده اند، آن حقایق را به رنگی و مللی که از آن برخوردار شده اند، آن را به رنگی جلوه داده اند. خاصه داستان صولت و سلطنت یمین الدوله و امین المله نظام الدین ابولقاسم سلطان محمود غزنوی طاب الله ثراه که در سرنوشت ملت های این گوشه دنیا تحولات عظیم وارد کرد و کار های بس بزرگ در این بخش جهان به پایان رسانید، دانستن این داستان و معرفت کامل به حقایق آن به مردم دیار ما بسیار مفید و سودمند است زیرا مردمی که اکنون در این سر زمین ها به سر می برند باید بدانند که پدران آنها در چه شکوه و جلال زندگانی داشتند؟ چه پیروزی ها دیده اند؟ و چه رنج ها کشیده اند؟ دانستن این روایات و ادراک این حقایق، معرفت بر اساس ها و بنیاد های ملیت ماست. آن موجودیتی که پایه زندگانی ما تا اکنون بر آن استوار است و اصل مفاخر ما شمرده می شود، بر اسس همین حقایق بنا یافته است.)

در آینه اشعار سنایی، شاعر حکیم و بلند پایه غزنی می توان سیمای شهر غزنی را در گذشته آن تماشا کرد. سنایی به زادگاه و شهر خود فلک رفیع خطاب میکند.

"عرش و غزنین به نقش هر دو یک است"

گرچه غزنین رفیع تر فلک است"

زادگاه سنایی به مدت دو قرن پایتخت غرور آفرین، بزرگترین مرکز و قلمرو فرمانروایی در دوران اسلامی، مرکز تفاهم و گفت و گوی تمدن ها و فرهنگ ها، کانون علم و ادب و سیاست و اقتصاد و فرهنگ و هنر بود. حکیم ناصر خسرو بلخی، غزنی را قبله احرار و مقصد فرزندگان، دانشمندان، عارفان، روحانیان، علما، مشاهیر و نامجویان و کلم خواهان می داند.

فتوحات و موفقیت های بزرگ نظامی که غزنی را مرکز تصمیم گیری و قدرت بزرگترین امپراطوری اسلامی ساخت تنها بیانگر هویت ارزشمند این دیار پر افتخار نیست، بلکه گسترش قلمرو حکمروایی سلطنت غزنویان با آمیزش فرهنگ ها، و داد و ستد های علمی و مدنی و پخش و انتقال تمدن ها و سفر و آمیزش صدها عالم، شاعر و دانشمند اسلامی به کشور ها و تمدن های دیگر همراه بود. با گسترش دین مبین اسلام در شبه قاره هند، آمیزش تمدن ها و فرهنگ ها میسر شد و تفاهم میان تمدن ها و مردم دیار های مختلف را نیز سبب گردید. اثر گرانبها و بی مانند "تحقیق ما للهند" تألیف و تحقیق دانشمند بزرگ مردم شناس و فرهنگ دوست، ابو ریحان البیرونی که با پیشرفته ترین روش تحقیقات علمی و فرهنگی امروز سرافرازی می نماید، در دوره غزنویان و در سایه گسترش فتوحات سلاطین غزنه پدید آمد. (این تألیف بی همتا، سر آغاز سلسله ای از داد و ستد های فرهنگی و مدنیت شناسی است که پس از آن پیوسته و مستمر در حوزه های ادب، هنر، عرفان، معماری و شیوه های کشور داری و لشکر آرای و ادامه یافته است.)

شهر غزنی در دوره سلاطین غزنه نه تنها مرکز شناخته شده و استوار تبادل اموال و تجارت میان کشور های آسیای مرکزی و ایران امروز و هند بود بلکه مرکز صاحب اعتبار تبادل و تفاهم مدنیت های قاره هند و خراسان و ماوراءالنهر و خوارزم و جبال و ری و همدان و اصفهان و همچنان بغداد به شمار می رفت. زمانی که سلاطین غزنه عازم هند می شدند، صدها تن از دانشمندان، علما، محققین و مؤرخین، روحانیون و اهل فضل و ادب از گوشه و کنار فرمانروایی بزرگ غزنویان، همراهمان بودند و در دیار هند از علم و دانش آن دیار صاحب فرهنگ می آموختند و آنچه یاد داشتند به دیگران می دادند و به این صورت فرهنگ بزرگ اسلامی را به قاره هند انتقال دادند که امروز اسباب افتخار فرهنگی بسیاری باشندگان آن دیار ها را در هند و در پاکستان ساخته و در مقام مباحثات مردم قرار دارد.

علاوه از قدرت سیاسی و سلطنتی در امپراطوری بزرگ اسلامی غزنی، غزنین یکی از بزرگترین مراکز دانش و فرهنگ و ادب بوده، غزنی جایگاه صدها عالم، شاعر، مؤرخ، عارف و دانشمند که از طرف سلاطین غزنی قدر و منزلت می شدند و در ارتقای فرهنگ بزرگ اسلامی در دربار شاهان و مراکز تحصیلی و مدارس آن زمان مصروف تحصیل و تدریس بودند.

مشاهیر، رجال و بزرگانی چون ابوالفتح بستی، ابوالعباس فضل، خواجه احمد میوندی، حسنک میکال، ابونصر منصور مشکان و شاعران و علمای معروف مانند عنصری ملک الشعرای غزنه، فرخی، فردوسی، سنایی غزنوی، مسعود سعد، ابولفرج، سید حسن مسجدی، ابوریحان البیرونی، ابو سلمان خطابی، عبدالملک بن علی هروی، مؤرخ نامدار غزنی بیهقی، آدم بن احمد بن اسد هروی، ابوا عبید عبدالواحد جوزجانی، عبدالحی بن ضحاک گردیزی، ابوالمعانی نصرالله غزنوی و صدها دانشمند و سخنور یا در دربار یا در قلمرو سلاطین غزنی زندگی می نمودند و غزنی را بزرگترین مرکز فرهنگ و دانش اسلامی زمان ساختند و در ارتقاء و پخش فرهنگ اسلامی خدمات بزرگ انجام دادند. شهر غزنی کانون ادب دری در آسیای مرکزی شد و کتابخانه های بزرگی در غزنه بوجود آمد. فقاقت و عرفان در طول دوصد سال به سیر تکامل رسید که نام و بزرگواری آن در سراسر جهان اسلام زبانزد خاص و عام گردید. رجال صاحبقدری مثل امام صلوکی، قاضی صاعد و در تصوف ابو سعید ابی الخیر، ابوالحسن خرقانی و عبدالله انصاری در همین دوره زندگی می نمودند.

این واقعیت که غزنی در زمان امپراطوری وسیع اسلامی غزنویان (۱۱۴۸-۹۶۲م) با قصر های بزرگ و مجلل، مراکز مشهور تعلیم و تحصیل علوم اسلامی و مروج آن زمان، با داشتن استادان معروف و دانا، مساجد بزرگ دارای مدرسه ها، کتابخانه ها و مراکز فرهنگی، بازار های پر و معمور، باغها و آبادی های زیبا، به نام عروس الفلک، مدینه ثانیه، گنج دانش و فرهنگ و آخر الامر در سال ۲۰۰۷م پایتخت فرهنگی جهان اسلام به غزنی پیشکش شد، بیانگر هویت ارزشمند این دیار شریف است.

غزنی در ارتقاء و تعالی فرهنگ اسلامی چنان نقش عظیمی ایفا نموده است که مقام، عزت و بزرگواری این محل پرافتخار مردم افغانستان بعد از هزار سال از طرف جامعه اسلامی به صفت پایتخت تمدن جهان اسلام، تجلیل و عزت میگرد و به این صورت از مردم و حکومت جمهوری اسلامی افغانستان امید می رفت که عزت و حرمت عروس البلاد خویش را با حرمت بدانند، با داشتن گنجینه های تاریخی آن افتخار نمایند و در نگهداشت و باز سازی آن مرکز مدنیت اسلامی با حرمت سعی بلیغ ملی را به کار برند.

پایان قسمت اول

ادامه دارد